

بخش اول: واژه

۱- گزینه‌ی ۴

\* تا سال ۷۸۸ تعدادی پژوهشگر و نویسنده‌ی برجسته مطرح شدند، و تا دهه‌ی آخر سده‌ی هشتم، یک احیای فرهنگی به شکوفایی هرچه تمام‌تر خود رسیده بود.

(۱) ارتکاب / تعهد

(۲) اشاره / دلالت

(۳) تخصص، خبرگی

(۴) شکوفایی

۲- گزینه‌ی ۲

\* او گفت که کشورهای توسعه‌یافته در قبال کمک به توسعه‌ی / پرورش رشد اقتصاد جهانی در نظام‌های مردم‌سالارانه‌ی جدید مسئولیت دارند.

(۱) قصد داشتن

(۲) توسعه بخشیدن / پرورش دادن

(۳) تعیین کردن

(۴) مقایسه کردن

۳- گزینه‌ی ۱

\* دولت، به منظور تبدیل حوزه‌ی کسب‌وکار به حوزه‌ای منصفانه، هر کاری را که برای تسریع بخشیدن به توسعه‌ی بخش کسب‌وکار اقلیت‌های جامعه لازم است دارد انجام می‌دهد.

(۱) تسریع بخشیدن

(۲) به‌نمایش گذاشتن

(۳) آشتی دادن، وفق دادن

(۴) آشکار کردن، ظاهر کردن

۴- گزینه‌ی ۴

\* به نظر من، مصنوعات باستانی بخشی از میراث فرهنگ جهانی ما هستند، که بایستی در دسترس همگان قرار گیرند تا ارزش آن‌ها درک شود.

(۱) کنجکاو‌ی

(۲) روبه‌رو شدن

(۳) اسطوره‌شناسی

(۴) میراث

۵- گزینه‌ی ۳

\* همه‌ی این شایعات که در مورد مدیر جدید پخش شده بی‌پایه و اساس هستند و من همه‌ی اون‌ها رو به صورت قاطع رد می‌کنم.

(۱) پنهان می‌کنم

(۲) اذیت می‌کنم

(۳) رد / تکذیب می‌کنم

(۴) جایگزین می‌کنم

۶- گزینه‌ی ۴

\* یکی از مهم‌ترین نکات این است که کل جامعه‌ی جهانی خواستار این مطلب است که هر چه سریع‌تر یک توافق‌نامه‌ی صلح به امضای طرفین برسد.

the problem or subject **at issue** is the most important part of what you are discussing or considering

- (۱) گردهمایی / اوج / قله  
(۲) سپیده دم  
(۳) جلو، مقابل  
(۴) مسئله (البته اینجا اصطلاح at issue رو داریم)  
۷- گزینه‌ی ۲

\* از آنجا که سوابق تحصیلی وی پیش‌پافتاده و معمولی بود (خیلی عالی نبود)، اون دانشگاه باکلاس و باعتبار از پذیرش وی امتناع ورزید.

- (۱) تقلیدی، بدلی  
(۲) معمولی (نه خیلی عالی)  
(۳) پیچیده / عقده / مجتمع  
(۴) کامل  
۸- گزینه‌ی ۲

\* برای کسانی که مسحور بازار آزاد شده‌اند، هر چیزی که با الزامات این بازار همخوانی نداشته باشد، خوب یا نرمال (طبیعی) به نظر نمی‌رسد.

- (۱) پدیدار شدن  
(۲) همخوانی، هماهنگی  
(۳) بخشیدن، اعطا کردن  
(۴) نماد ... بودن، حاکی بودن از  
۹- گزینه‌ی ۱

\* یکی از کاستی‌های / اشکالات این آفت‌کش این است که میزان باروری / حاصلخیزی گیاهان را کاهش می‌دهد.

- (۱) کاستی، اشکال، عیب  
(۲) چالش  
(۳) بحث، مباحثه، مناظره  
(۴) اعتراض  
۱۰- گزینه‌ی ۳

\* اگر قرار بود این فرضیه معتبر در نظر گرفته شود، بایستی مدارک و شواهد تجربی برای تایید آن ارائه می‌شد.

- (۱) از روی قصد، عمدانه  
(۲) سخت، ترسناک، سهمگین  
(۳) معتبر، موثق  
(۴) سطحی، عجله‌ای

بخش دوم: دستور زبان (کلوز تست)

ما آنقدر با وسایل و ابزارها احاطه شده‌ایم که گاهی تشخیص جایی که ابزار جای خود را به افراد می‌دهد سخت است. از کامپیوترها و اسکنرها (رایانه‌ها و پویش‌گرها!) گرفته تا ابزارهای (تلفن) همراه، تعداد روزافزونی از انسان‌ها بخش عمده‌ی زندگی هشیار (ساعات بیداری) خود را در حال تعامل با انسان‌های دیگر جهان از طریق فناوری ابزارهای الکترونیکی هستند، تنها مرز بین مغز و این دستگاه‌ها حواس - بینایی، شنوایی، و لامسه - هستند، حواسی که از طریق آن‌ها افراد و ابزارها در تماس و تعامل با هم هستند. اما کفایت این حواس را از معادله حذف کنیم، و آنوقت است که ابزارهای الکترونیکی می‌توانند چشم و گوش ما، و حتی دست و پای ما شوند، در حالی که دنیای اطراف ما را درک می‌کنند و از طریق نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای ساخت بشر، به تعامل با دنیای اطراف می‌پردازند.



چینی داشت. و البته ممکن است منتقدین به آن اضافه کنند: سودمندی کمتری. تصمیم گوگل به پوشش خبری بدی در سراسر جهان و درخواست‌ها برای تشکیل جلسات در کنگره‌ی ایالات متحده منجر شد.

علیرغم این مسائل حقوقی و اخلاقی، گوگل شرکتی فوق‌العاده محبوب باقی ماند. در ضمن، محبوب‌ترین محصولات گوگل رایگان است. اما گوگل علاوه بر این شرکتی سلطه‌جو است با اهداف بزرگ. شرکتی که غافلگیری‌های و چالش‌ها را دوست دارد. بسیاری از ناظران احساس می‌کنند که گوگل برای دور آخر (نبرد اصلی) با غول نرم‌افزاری مایکروسافت بر سر آنکه چه کسی نسل بعدی رایانه‌های شخصی را کنترل می‌کند، آماده است. سایرین نگران آنند که گوگل مانع توسعه اینترنت شود. هم‌اکنون گوگل بر Web 2.0 که اسم مستعاری برای اینترنت کنونی است، سلطه دارد. ترس از این است که گوگل با مسدود کردن پیشرفت‌هایی که ممکن است تسلطش را به خطر بیندازد از قدرت خود برای جلوگیری از Web 3.0 استفاده کند. آیا گوگل می‌تواند بدون برهم زدن قواعد بازی و سیاه کردن تصویر خود به عنوان شخصیت خوب اینترنت، برنده شود و در اوج بماند؟

۱۶- متن به طور کلی درباره چیست؟

(۱) محبوب‌ترین شرکت اینترنتی

(۲) عملیات خارجی گوگل

(۳) تلاش‌های گوگل برای تسلط بر اینترنت چین

(۴) مسائل اخلاقی پیرامون روابط گوگل با دولت چین

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ می‌باشد.

آنگونه که در پاراگراف اول و دوم متن مشاهده می‌شود، متن به طور کلی روی مسائل اخلاقی و نقض آن توسط شرکت محبوب اینترنتی گوگل، بحث می‌کند. چیزی که مشخص است با عنایت به موضوعات مطرح شده در پاراگراف دوم مشاهده می‌شود گزینه‌های ۲ و ۳ که مربوط به عملیات آن سوی آب‌های گوگل و تعاملات آن با دولت چین می‌باشد، در پاراگراف دوم مورد بحث قرار نگرفته‌اند و صرفاً مربوط به بخش اول متن می‌باشند.

برای انتخاب از بین گزینه‌های ۱ و ۴ لازم است قدری دقیق‌تر شویم. اینکه متن به طور کلی در مورد گوگل، محبوب‌ترین شرکت اینترنتی بحث می‌کند غیرقابل انکار است اما توجه شود که "محبوبیت" موضوع مورد بحث در متن نیست و صرفاً در متن اشاره شده که گوگل محبوب‌ترین شرکت اینترنتی است. متن از همان ابتدا با طرح موضوع تعاملات گوگل با دولت چین وارد مسائل اخلاقی و انحرافات گوگل در این زمینه شده و در ادامه با مطرح کردن رقابت گوگل و مایکروسافت و جلوگیری گوگل از توسعه Web 3.0، ابراز نگرانی در مورد مسائل اخلاقی که ممکن است تحت سیطره گوگل پایمال شوند را ادامه می‌دهد.

لذا گزینه‌ی شماره ۴ کامل‌ترین و منطقی‌ترین گزینه برای انتخاب به نظر می‌رسد.

۱۷- بر اساس متن، رابطه گوگل با دولت چین \_\_\_\_\_ .

۱) شرکت را مجبور کرد تا تصمیم خود را تعدیل کند.

۲) آزادی مطبوعات را نقض کرده است.

۳) به وسیله کنگره آمریکا محکوم شده است.

۴) به کسب و کاری فوق‌العاده سودمند تبدیل شد.

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۱ می‌باشد.

چیزی که در متن صراحتاً به آن اشاره شده، در گزینه‌ی ۱ یافت می‌شود:

« مدارا با محدودیت‌های دولت چین در کل شر و فساد کمتری از عدم خدمت‌رسانی به کاربران چینی دارد. » چیزی که از آن با عنوان "معیار و ترازوی شر" یاد شد که واکنشی بود از جانب یکی از مدیران گوگل در راستای توجیه سازش گوگل با محدودیت‌های دولت چین.

در گزینه‌ی ۲ از نقض آزادی مطبوعات سخن به میان آمده که متن صرفاً به بدگویی رسانه‌های خبرپراکنی در مورد تصمیم گوگل اشاره می‌کند و اصلاً در مورد نقض آزادی مطبوعات صحبتی به میان نمی‌آید.

در گزینه‌ی ۳ از محکومیت این رابطه توسط کنگره آمریکا سخن به میان آمده حال آنکه متن از درخواست‌ها برای تشکیل جلسات در کنگره آمریکا می‌گفت و نه موضع کنگره آمریکا در مورد این روابط.

گزینه‌ی ۴ هم نه به طور مستقیم و نه به طور ضمنی در متن مورد اشاره قرار نگرفته است.

۱۸- "its" زیرخط‌دار در پاراگراف دوم به \_\_\_\_\_ اشاره دارد.

۱) گوگل (۲) قدرت (۳) اینترنت (۴) Web 3.0

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۱ می‌باشد.

در متن داریم:

ترس از این است که گوگل با مسدود کردن پیشرفت‌هایی که ممکن است تسلطش را به خطر بیندازد از قدرت خود برای جلوگیری از Web 3.0 استفاده کند.

ضمیمه متصل "ش" در "تسلطش" مرجع its است که به گوگل برمی‌گردد. برای رسیدن به جواب نهاد جمله را دنبال کرده و به گوگل می‌رسیم. بعد از "its" dominance آمده که باید دقت کنیم تسلط به کدام نهاد بازمی‌گردد.

«تسلط چه کسی؟ تسلط گوگل!»

۱۹- بر اساس متن، برخی منتقدان احساس کردند که \_\_\_\_\_.

(۱) گوگل تلاش می‌کند تا به شرکت‌های دیگر برای بهبود خدمات اینترنتی شان کمک کند.

(۲) تلاش گوگل برای سلطه بر اینترنت شعار شرکتش را به خطر انداخته است.

(۳) رابطه‌ی گوگل با چین مسائلی در خصوص حریم خصوصی را برای بسیاری از کاربران گوگل به وجود آورده است.

(۴) گوگل انجام هر چیزی را که به طور واضح با اصولش در تقابل باشد، رد کرده است.

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۲ می‌باشد.

در متن داریم:

« برای نخستین بار، گوگل با تصمیمی همراه با مفاهیم عمده سیاسی مواجه شد و برای تبیین معنی اصل شرافتمندانه "شریر مباش" خود، تحت فشار قرار گرفت.»

یعنی در پی رابطه سازشکارانه گوگل با دولت چین، منتقدان در مورد شعار شرافتمندانه گوگل در مورد پرهیز از شرارت دچار تشکیک شدند و این گوگل را وادار کرد تا با توضیح بیشتر و تبیین و تعدیل در مورد سیاست و شعار خود، از تصویر و وجهه بیرونی خود دفاع کند. تحت فشار قرار گرفتن گوگل در نتیجه اقدام سیاسی اش، بیانگر تردید منتقدان در صداقت شعار گوگل می‌باشد.

در مورد گزینه‌های ۱ و ۳ در متن صحبتی به میان نیامده است.

در مورد تقابل با اصول گوگل و برخورد سلیقه‌ای این شرکت (گزینه ۴) نیز بحثی به میان نیامده و صرفاً سخن از شعار شرافت و "نه به شرارت" گوگل و تردیدها در مورد آن به میان آمد و در بخش دیگری به تقابل پیشرفت‌ها (Web 3.0) با منافع سلطه جویانه گوگل اشاره شده و نه اصول این شرکت.

۲۰- منظور نویسنده در پاراگراف دوم چیست؟

(۱) توصیف محصولات گوگل

(۲) مقایسه گوگل و مایکروسافت

(۳) ابراز نگرانی درباره اقدامات آینده گوگل

(۴) تاکید بر نیاز به توسعه Web 3.0

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۳ می‌باشد.

نیاز به توسعه Web 3.0 به عنوان مفهومی ضمنی در پاراگراف دوم مورد بحث قرار گرفته است، اما این پاراگراف به طور کلی از نگرانی‌ها در مورد اقدامات آینده گوگل سخن می‌گوید که یک نمونه‌ی آن جلوگیری از گسترش Web 3.0 است. از جملات آغازین و پایانی این پاراگراف نیز می‌توان به این نتیجه رسید که نگرانی کلی متوجه زیر پا گذاشتن مسائل اخلاقی و اصطلاحاً قواعد بازی توسط گوگل در ادامه سلطه جویی‌های این شرکت است.

گزینه‌ی ۱ در متن یافت نمی‌شود چرا که متن فقط از رایگان بودن محصولات محبوب این شرکت گفته و توصیف محصولات گوگل چیزی نیست که در متن بدان پرداخته شده باشد. مقایسه گوگل و مایکروسافت (گزینه ۲) نیز در متن صورت نگرفته است و صرفاً از جنگ قدرت و مسابقه نهایی این دو شرکت برای قبضه کردن بازار رقابت سخن به میان آمده است.

## متن ۲

از دهه‌ی ۷۰ میلادی، بسیاری از شرکت‌ها قوی و قدرتمند شدند. برای مثال جان دی راکفلر، شرکت نفت استاندارد را در قالب یک شرکت سهامی عظیم و فوق کارآمد تاسیس کرد. آن شرکت صنعت نفت ایالات متحده را تحت تسلط خود قرار داد. مردم اظهار داشتند که نفت استاندارد انحصاری است و اینکه این (انحصار) اشتباه بوده. راکفلر اینگونه از شرکت خود دفاع می‌کند: "اگر رقابت ادامه پیدا کند، همه ما در یک کشتی در حال غرق شدن می‌بودیم". انحصارات از نظر راکفلر، خوب بودند. رقابت، شرکت‌ها را از رشد به اندازه‌ای که بتوانند خدمات معینی را که جامعه به آن نیاز دارد، فراهم کنند، باز می‌دارد. برخی خدمات و امکانات عمومی (برق، آب، دفع زباله) همچنان انحصاری اداره می‌شوند. این به دولت‌های محلی اجازه می‌دهد تا به نمایندگی از افرادی که از آنها استفاده می‌کنند، بر کیفیت این خدمات اعمال کنترل و نظارت کند. با این وجود، برای بیشتر کسب و کارها غلط بودن ایده راکفلر در مورد رقابت اثبات شده است. در اوایل قرن بیستم، رقابت بین شرکت‌ها افزایش یافت. شرکت‌ها نیاز پیدا کردند تا برای جذب مشتری با یکدیگر رقابت کنند. این به معنی آن بود که افراد انتخاب‌های بیشتری در مورد آنچه می‌خرند، داشتند. قیمت‌ها پایین رفته و کیفیت بالا رفت. آلفرد اسلون، مدیر اجرایی جنرال موتورز سیاستی اتخاذ کرد که با این تغییرات در بازار و انتظارات افراد، مطابقت داشت. او در سال ۱۹۲۴ اعلام کرد که شرکتش "خودرویی برای هر دارایی (کیف) و هر هدفی" خواهد داشت. (ارائه خواهد داد). جنرال موتورز مشتری را در اولویت قرار می‌دهد، و نه شرکت را. این (مسئله) صنعت خودرو را تغییر داد و جنرال موتورز را به یکی از موفق‌ترین کسب و کارها در ایالات متحده تبدیل کرد.

۲۱- با توجه به متن، راکفلر \_\_\_\_\_

۱) مسئول صنعت نفت ایالات متحده بود

۲) اعتقاد داشت دولت‌ها بایستی انحصارات را سرپرستی کنند

۳) و شرکتش بین عموم مردم در ایالات متحده، محبوب بودند

۴) شرکتها را به رقابت با یکدیگر برای فراهم آوردن خدمات و امکانات عمومی، تشویق کرد

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۲ می‌باشد.

هر چند در متن به طور صریح اشاره نشده که راکفلر از سرپرستی انحصارات توسط دولت دفاع کرده و این مسئله در پی معرفی امکانات عمومی (برق، آب، دفع زباله) به عنوان نمونه‌هایی که همچنان انحصاری اداره می‌شوند، عنوان شده است، اما با رد سایر گزینه‌ها به طور قطع به گزینه ۲ می‌رسیم.

گزینه‌ی ۱ به این موضوع اشاره دارد که راکفلر مسئول صنعت نفت ایالات متحده بوده است حال آنکه وی موسس شرکت نفت استاندارد بوده که صنعت نفت ایالات متحده را به سلطه خود در آورده و این الزاما به معنای داشتن پست و مسئولیت در صنعت نفت ایالات متحده به عنوان یک مسئولیت سیاسی - دولتی نیست. (ممکن است راکفلر به عنوان یک انحصارگر در بخش خصوصی فعالیت کرده باشد).

گزینه ۳ دقیقا بر خلاف آن چیزی است که متن به آن اشاره کرده است:

« مردم اظهار داشتند که نفت استاندارد انحصاری است و اینکه این اشتباه بوده.»

جایی که موضع مردم باعث دفاع تمام قد راکفلر از شرکت خود و ارائه ادله خود علیه مفهوم رقابت می‌انجامد. همین تقابل خود به وضوح گویای این مطلب است که راکفلر با چهره انحصارگر خود چندان هم بین مردم محبوب نبوده است!

گزینه ۴ نیز از مفهوم رقابت و تشویق رقابت توسط راکفلر می‌گوید که با اظهارات مروج انحصارگرایی راکفلر در تناقض آشکاری است.

۲۲- منظور نویسنده در پاراگراف دوم چیست؟

۱) توصیف ایده‌ی راکفلر در مورد رقابت

۲) معرفی یک شرکت سهامی آمریکایی قدرتمند

۳) فراهم آوردن گواه و مدرک برای (اثبات) اهمیت رقابت

۴) تاکید بر یک اصل کسب و کاری مهم

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۳ می‌باشد.

شاید جمله آغازین پاراگراف دوم، خود بیانگر رویکرد نویسنده در این پاراگراف برای تضعیف ادله‌ی انحصارگرایانه راکفلر و دفاع از مفهوم رقابت و اهمیت آن باشد:

«با این وجود، برای بیشتر کسب و کارها غلط بودن ایده راکفلر در مورد رقابت اثبات شده است»

در ادامه نویسنده با مطرح کردن رقابت بین شرکت‌ها در اوایل قرن بیستم و نیز مثال زدن شرکت جنرال موتورز به عنوان الگویی موفق، از رقابت و سودمندی آن دفاع می‌کند.

گزینه‌ی ۱ یا توصیف ایده‌ی راکفلر در مورد رقابت، چیزی نیست که پاراگراف دوم به طور کلی به آن پرداخته باشد و تنها به رویکرد مخالف رقابت وی در ابتدای پاراگراف اشاره شده آن هم به منظور تقابل با نظریه‌ی او.

گزینه‌ی ۲ با بیان معرفی یک شرکت سهامی آمریکایی قدرتمند، اگر مراد طراح سوال جنرال موتورز باشد، صرف معرفی و تحلیل سیاست‌ها و رویکرد رقابتی جنرال موتورز موضوع پاراگراف دوم نیست و جنرال موتورز صرفاً به عنوان مثالی برای تبیین اهمیت رقابت و پتانسیل کارکردی آن، مورد توجه قرار گرفته است. گزینه‌ی ۴ نیز با کلی‌گویی و بیان مبهم مفهوم مشخصی را نمی‌رساند و نمی‌تواند گزینه‌ی صحیح باشد.

۲۳- "this" زیرخط‌دار در پاراگراف دوم به \_\_\_\_\_ اشاره دارد.

(۱) جذب مشتریان (۲) بهبود کیفیت محصول (۳) رقابت بین شرکتها (۴) قدرت خرید افراد

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۳ می‌باشد.

"این" به نیاز به رقابت شرکت‌ها برای جذب مشتریان اشاره دارد. آنگونه که در متن داریم:

« شرکت‌ها نیاز پیدا کردند تا برای جذب مشتری با یکدیگر رقابت کنند. » (جمله شماره ۱)

به مفهوم بالا توجه کنید. واژه "این" در اینجا در واقع کوتاه شده "این مفهوم" است. در ادامه جمله فوق داریم:

« این (این مفهوم) به معنی آن بود که افراد انتخاب‌های بیشتری در مورد آنچه می‌خرند، داشتند. » (جمله شماره ۲)

حال پرسش این است که ضمیر مورد اشاره "این" ("این مفهوم") کدام است؟

کدام مفهوم؟

پاسخ در جمله شماره ۱ نهفته است جایی که درست در جمله‌ی قبل، از لزوم رقابت برای جذب مشتری سخن به میان آورده شده بود.

پس با کمی دقت می‌توان متوجه شد که مفهوم مورد اشاره رقابت است و نه جذب مشتریان. در واقع جذب مشتریان نتیجه‌ی رقابت است و نه مرجع ضمیر "این".

با یک جایگذاری ساده نیز می‌توان به این نتیجه رسید:

❖ رقابت بین شرکتها به معنی آن بود که افراد انتخاب‌های بیشتری در مورد آنچه می‌خرند، داشتند. (درست است)

❖ جذب مشتریان به معنی آن بود که افراد انتخاب‌های بیشتری در مورد آنچه می‌خرند، داشتند! (نادرست است)

گزینه‌های ۲ و ۴ نیز با توجه به متن جمله‌ی مورد نظر (افراد انتخاب‌های بیشتری در مورد آنچه می‌خرند، داشتند) و مطرح کردن کیفیت و قدرت خرید مشتریان، تله‌های تستی خوبی برای به دام انداختن داوطلبان محسوب می‌شوند که با مفهوم مرجع ضمیر آشنایی چندانی ندارند!

۲۴- می‌توان از متن نتیجه گرفت که در قرن بیستم \_\_\_\_\_.

(۱) بازار شروع به تغییر کرد  
(۲) آمریکایی‌ها شروع کردند به واکنش با عصبانیت به انحصارات  
(۳) شرکت‌ها در برآورده کردن انتظارات افراد مشکل داشتند

۴) صنعت خودروسازی موفق‌ترین کسب و کار در آمریکا شد

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۱ می‌باشد.

تغییرات بازار به سمت بازارهای رقابتی و پویا مفهومی است که متن در مورد قرن بیستم به آن اشاره کرده است و با مثال زدن جنرال موتورز به آن پرداخته است. گزینه‌ی ۱ چنین مفهومی را بیان می‌کند. در هیچ جای متن از واکنش عصبی مردم آمریکا به انحصارات سخنی به میان نیامده (دقت شود که مخالفت مردم با انحصار شرکت نفت استاندارد دلیلی بر عصبانیت آنها نیست) و شاید همین واژه عصبانیت تنها دلیلی باشد که صحت گزینه‌ی ۲ را به طور کل زیر سوال می‌برد.

در گزینه‌ی ۳ باز هم کلی گویی و ابهام در متن گزینه بیداد می‌کند و حال آنکه متن در پاراگراف دوم و در توصیف تغییرات به وجود آمده در قرن بیستم از بهبودهای حاصله در اثر حاکمیت رقابت بین شرکت‌ها سخن می‌گوید و نه مشکلات شرکت‌ها. پس رد گزینه ۳ قطعی است.

در مورد گزینه ۴ ذکر این نکته لازم است که هرچند نویسنده در انتهای پاراگراف دوم و در جمله پایانی متن، جنرال موتورز را کسب و کار موفق‌ی در ایالات متحده می‌داند، باید توجه شود که وی این شرکت را یکی از موفق‌ترین کسب و کارهای آمریکا عنوان می‌کند و نه الزاما موفق‌ترین آن‌ها!

۲۵- با توجه به متن، کدام یک از اظهارات زیر در مورد جنرال موتورز صحیح است؟

۱) جنرال موتورز بوسیله آلفرد اسلون تاسیس شد.

۲) جنرال موتورز بنا بر اصل "اول مشتری" کار می‌کند.

۳) جنرال موتورز در ۱۹۲۴ خودروهایی مقرون به صرفه تولید کرد.

۴) جنرال موتورز از سال ۱۹۲۴ بیشتر مشتریان در آمریکا را جذب کرده است.

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۲ می‌باشد.

در متن در مورد جنرال موتورز به صراحت از سیاست رجحان مشتری و منافعش بر شرکت سخن به میان آمده است.

« جنرال موتورز مشتری را در اولویت قرار می‌دهد، و نه شرکت را. »

در مورد گزینه‌ی ۱ باید گفت آلفرد اسلون به عنوان مدیر اجرایی جنرال موتورز و برای بیان سیاستی که اتخاذ کرد، معرفی شد و صحبتی از نقش وی در تاسیس و دایر شدن جنرال موتورز به میان نیامد.

در مورد گزینه‌ی ۳ ذکر این نکته حائز اهمیت است که در متن ذکر شده ۱۹۲۴، سالی است که آلفرد اسلون تولید خودروی مقرون به صرفه برای هر هدفی را وعده می‌دهد و از تولید این خودرو حرفی به میان نیامده است. حال آنکه تولید این خودرو در چه سالی صورت گرفته یا اصلا چنین خودرویی تولید شده یا نه چیزی نیست که بتوانیم از متن حاضر استخراج کنیم!

گزینه‌ی ۴ نیز مشمول قاعده گزینه‌ی ۴ سوال قبلی است! اینکه جنرال موتورز در آن مقطع یکی از موفق‌ترین کسب و کارهای ایالات متحده بوده دلیلی بر موفق‌ترین کسب و کار بودن آن نیست. و متعاقب آن بر مشتری بیشتر این شرکت نسبت به سایر رقبا.

متن ۳

یک حباب اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که سفته‌بازی در کالاها (برای مثال نفت)، اوراق بهادار (مانند سهام و اوراق قرضه)، املاک، یا اقلام کلکسیونی، قیمت‌ها را ماورای ارزش ذاتی اقلام بالا می‌برد. نتیجه‌ی نهایی این افزایش سریع در قیمت، سقوط و شکست و ورشکستگی است. قیمت به محض اینکه روشن شود که فراتر از قدرت خرید مشتریان بالقوه است، به شدت سقوط می‌کند.

سفته‌بازان در چنین سرمایه‌گذاری‌هایی پول را به مخاطره می‌اندازند چرا که امیدوارند قیمت دارایی‌ای که خریده‌اند سریعاً افزایش یابد. از آنجا که بیشتر سفته‌بازان در مورد جایی که پول خود را سرمایه‌گذاری کرده‌اند، عصبی و حساس هستند، حباب‌ها به هیچ وجه قاعده‌مند نیستند. در کل، سفته‌بازان با خطر اینکه آن قلم دارایی در حال حاضر بیش از حد قیمت گذاری شده باشد، مواجه می‌شوند. آنها همچنین می‌دانند که افزایش قیمت‌ها یا تولید بیشتر یک کالا را تشویق خواهد کرد یا اشتیاق بیشتر مالکان فعلی را برای فروش. هر کدام از این شرایط می‌تواند به عنوان یک سازوکار "بازخورد منفی" عمل نماید که قیمت‌ها را رو به سمت کاهش سوق می‌دهد. در وضعیت‌های اقتصادی، بازخورد منفی تا حدودی مشابه آنچه چشمان شما انجام می‌دهند، عمل می‌کند. هر اندازه نور درخشان‌تر شود، مردمک‌های شما کوچکتر می‌شوند و به نور کمتری امکان ورود می‌دهند. اما اگر چشمان شما به عنوان یک ساز و کار بازخورد مثبت کار می‌کرد، چه اتفاقی می‌افتاد؟ در نور خورشید مردمک‌های شما به طور وسیع باز می‌شد و به شبکه آسیب می‌رساند.

۲۶- مقصود نویسنده در این متن چیست؟

(۱) برشمردن اثرات منفی افزایش قیمت‌ها

(۲) فراهم آوردن نمونه‌هایی از آسیب اقتصادی

(۳) معرفی برخی مفاهیم اقتصادی

(۴) بحث در مورد یک پدیده اقتصادی

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ می‌باشد.

برشمردن اثرات منفی افزایش قیمت‌ها شاید در این متن فقط در حد چند جمله در پاراگراف اول صورت گرفت آن هم به عنوان نتیجه‌ی فعالیت‌های سفته‌بازان و نه آسیب‌شناسی افزایش قیمت‌ها. در ادامه متن اما به مفاهیمی دیگری پرداخته می‌شود که نمی‌توان عنوان اثرات منفی افزایش قیمت‌ها را بر آنها نهاد. (رد گزینه‌ی ۱)

آسیب‌های اقتصادی به سفته‌بازان و بازار نیز یکی از مفاهیمی است که در متن مورد بحث قرار گرفته و در ادامه متن به مسائل دیگری می‌پردازد. (رد گزینه ۲)

همانطور که مشاهده می‌شود متن با معرفی مفاهیم مختلف اقتصادی و بررسی و تبیین آنها، در واقع به معرفی یکی از پدیده‌های اقتصادی می‌پردازد. مفاهیمی زیر همگی مطرح شده‌اند:

- ❖ حباب اقتصادی
- ❖ افزایش قیمت‌ها
- ❖ سفته بازی
- ❖ ساز و کار بازخورد منفی
- ❖ ساز و کار بازخورد مثبت

ولی همه‌ی این مباحث حول محور "مقصود اصلی نویسنده"، یعنی توضیح پدیده‌ی اقتصادی "حباب اقتصادی" است. پس پاسخ صحیح گزینه‌ی چهارم می‌باشد.

۲۷- بر اساس متن، حباب‌های اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتند که \_\_\_\_\_.

(۱) سرمایه‌گذاری‌ها شکست می‌خورند

(۲) قیمت‌ها سریعاً افزایش می‌یابند

(۳) قدرت خرید افراد کاهش می‌یابد

(۴) قیمت‌ها بر اساس ارزش محصول نوسان می‌یابند

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۲ می‌باشد.

در متن داریم:

« یک حباب اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که سفته‌بازی در کالاها (برای مثال نفت)، اوراق بهادار (مانند سهام و اوراق قرضه)، املاک، یا اقلام کلکسیون، قیمت‌ها را ماورای ارزش دورنی اقلام بالا می‌برد. نتیجه نهایی این رونق سریع در قیمت، سقوط و شکست و ورشکستگی است. »

حباب اقتصادی در واقع وضعیتی در اثر افزایش سریع قیمت‌ها (اثبات گزینه‌ی ۲) در واکنشی عصبی از سوی سفته‌بازان است. که این واکنش عصبی به دلیل ترس از شکست سرمایه‌گذاری آنهاست و نه شکست سرمایه‌گذاری (رد گزینه‌ی ۱) در مورد قدرت خرید افراد نیز در مبحث حباب اقتصادی سخنی به میان نیامده است و ایجاد حباب‌های اقتصادی با کاهش قدرت خرید افراد ربطی ندارد. عبارت « قیمت به محض اینکه روشن شود که فراتر از قدرت خرید مشتریان بالقوه است، به شدت سقوط می‌کند. » به نتیجه افزایش قیمت‌ها اشاره دارد و نه خواستگاه حباب‌های اقتصادی. (رد گزینه‌ی ۳)

گزینه‌ی ۴ نیز دقیقاً عکس آنچه در متن عنوان شده را بیان می‌کند.

« یک حباب اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که سفته‌بازی در کالاها (برای مثال نفت)، اوراق بهادار (مانند سهام و اوراق قرضه)، املاک، یا اقلام کلکسیون، قیمت‌ها را ماورای ارزش دورنی اقلام بالا می‌برد. »

عبارت مشخص شده به وضوح بیانگر آن است که حباب اقتصادی قیمت‌ها را بالاتر از ارزش درونی و واقعی اقلام افزایش می‌دهد و نوسانات و افزایش قیمت غیرواقعی است و نه بر اساس ارزش محصول. (رد گزینه‌ی ۴)

۲۸- واژه زیر خطدار ("intrinsic") در پاراگراف ۱ از لحاظ معنایی به \_\_\_\_\_ نزدیک‌تر است.  
(۱) اساسی (۲) گران (۳) مفید (۴) بسیار گران‌بها  
\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۱ می‌باشد.

Basic به معنای «پایه یا اساسی» نزدیکترین معنی را به Intrinsic به معنای «ذاتی / درونی» داراست. سایر گزینه‌ها به قدر کفایت بی‌ربط هستند!

۲۹- با توجه به متن، تمام موارد زیر در نتیجه‌ی افزایش قیمت‌ها رخ می‌دهند به جز .....

(۱) توسعه‌ی یک سازوکار بازخورد منفی

(۲) علاقه مالکان به فروش محصولاتشان

(۳) یک افزایش در تولید

(۴) توسعه‌ی یک سازوکار بازخورد مثبت

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ می‌باشد.

در چنین سوالاتی که ۲ گزینه مفاهیم متضاد هم را بیان می‌کنند به احتمال خیلی زیاد، یکی از آن‌ها گزینه‌ی صحیح بوده و حذف ۲ گزینه دیگر تقریباً قطعی است.

با رجوع به متن نیز درمی‌یابیم نویسنده، ۲ نتیجه زیر را از نتایج افزایش قیمت‌ها عنوان می‌کند:

۱. تولید بیشتر یک کالا (گزینه‌ی ۳)

۲. اشتیاق بیشتر مالکان فعلی را برای فروش (گزینه‌ی ۲)

که هر دوی آنها در زمره‌ی ساز و کارهای بازخورد منفی قرار می‌گیرند. (گزینه‌ی ۱)

۳۰- می‌توان از متن نتیجه گرفت که نویسنده معتقد است که \_\_\_\_\_.

(۱) بازخورد منفی به اقتصاد آسیب می‌زند همانگونه که نور درخشان به چشم‌ها آسیب می‌زند.

(۲) یک ساز و کار بازخورد مثبت، موثر است وقتی قیمت‌ها بالا بروند.

(۳) ساز و کارهای بازخورد به ندرت می‌تواند تورم را کاهش دهد.

(۴) بازخورد منفی نیرویی مثبت است.

\* پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ می‌باشد.

سازوکار بازخورد منفی به عنوان یک ساز و کار دفاعی و اصلاحی اثرات سوء افزایش قیمت‌ها را خنثی می‌کند. نویسنده با مثال سازوکار بازخورد منفی در سیستم بینایی انسان و واکنش مردمک چشم این موضوع را به خوبی منتقل کرده است.

پس سازوکار بازخورد منفی نقش اصلاح‌گر داشته و به اقتصاد آسیب نمی‌زند. (رد گزینه‌ی ۱)

اما برعکس آن و در همان مثال سازوکار بازخورد مثبت به واکنش هم‌جهت و مستقیم با هر گونه تغییر بدون اعمال مقاومت، اصلاح و کنترل اشاره دارد که اثر آن با مثال چشم به خوبی تبیین شده است. پس ساز و کار بازخور مثبت، نقشی مخرب داشته و نمی‌تواند موثر واقع شود. (رد گزینه‌ی ۲)

باز هم کلی‌گویی و بیان مبهم و بدون پشتوانه این بار در گزینه شماره‌ی ۳ این سوال چاره‌ای جز حذف گزینه برای ما باقی نمی‌گذارد.

سازوکار بازخورد منفی مطابق متن باعث کاهش قیمت‌ها می‌شوند. اگر تورم را افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تعریف کنیم، پس سازوکار بازخورد منفی تورم را کاهش می‌دهد. (رد گزینه‌ی ۳) اگر تعریف دیگری از تورم نیز مدنظر باشد که گزینه اساساً زیر سوال می‌رود چرا که سخنی از تورم در میان نبوده است!

اما گزینه‌ی صحیح، گزینه شماره‌ی ۴ است که با توجه به تعریف سازوکار بازخورد منفی، مفید بودن و کارکرد آن، متن این سازوکار را به مثابه‌ی نیرویی مثبت و کارکردی معرفی می‌کند.